

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### تفسیر عاشورا از زبان خانم فاطمه‌ی زهرا (س):

کاروان عاشورا قبل از واقعه کربلا و بعد از آن تا شام و کاخ یزید سرمشق دهنده به تمام انسان‌ها مخصوصاً به مسلمانان و شیعیان بود که با بازنگری آن پی می‌بریم که هر حرکتی و صحبتی یا خطابه‌ای از جانب آقا امام حسین سلام الله علیه و امام سجاد سلام الله علیه و حضرت زینب سلام الله علیها تا زنان و کودکان، حتی کودک شش ماهه پیام دهنده به نوع بشر بوده که متأسفانه مفاهیم آن درست و صحیح درج (درک) نشده و حتی شیعیان که اعتقاد به امام و عاشورا دارند فقط به ظاهر آن اکتفا کرده و به چند روز عزاداری بسنده نموده‌اند، ولی خداوند در قرآن کریم اندیشیدن و تفکر برای درک درست هر عملی را بارها متذکر شدند، در قرن حاضر نیز هر چیزی با دلیل و برهان عقلی قابل قبول مردم، مخصوصاً جوانان است مانند امام سجاد (ع) و حضرت زینب سلام الله علیها حرکت صحیح نهضت عاشورا را اول خود درست درک کرده و بعد به تمامی مردم دنیا زینب گونه فریاد کنیم که فرموده‌ی معصومین چنین است:

خداوند اعمال کسانی را که اعمال عاشورا را سبک کنند سبک می‌کند و در نتیجه در قیامت نیز هر چند که عمل زیادی از حسنات داشته باشند با ترازوی عاشورا سبک می‌شود، در حالی که آنچه بعد از عاشورا مردم انجام می‌دهند سبک شمردن راه و هدف امام حسین سلام الله علیه است.

در انقلاب قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف باید مردم بدانند که آیا در امر ظهور عدالت، بچه‌ی شش ماهه معذور و معاف از اطاعت امام است؟ یا نه؟ یا به این فکر نمی‌کنند که آیا کودک پیامبر حضرت ابراهیم سلام الله علیه شش ماهه نبود که در بیابان با مادرش رهایشان کرد و آن‌ها را به خدا سپرد. آیا حضرت اسماعیل از تشنگی هلاک شد؟ یا فضل خدا از زمین شامل حالش گردید؟ پس چه شد که فرزندان پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله باید سرنوشت دیگری داشته باشند. آیا تلاش حضرت هاجر برای پیدا کردن آب نبود؟ در حالی که آب زیر پای کودک او می‌جوشید!

چه شد که فضل خدا در مورد انبیاء دگرگون می‌شود؟ گاه بر این پیامبر حاضر است و بر پیامبر دیگر نعوذاً بالله چنین نیست!

این است که امتحان حضرت ابراهیم شهادت فرزند نبود. بلکه آموزش تکالیف الهی در امر پروردگار بود و این بار همین تکلیف بر عهده‌ی امام حسین بود. آیا او تمام جهد و کوشش خود را فقط در نوشاندن آب به کودکانش قرار داد؟ و یا مانند جدش حضرت ابراهیم در ورطه آزمون الهی بنیان‌گذار عزت و آزادگی بود، در حسین بدبختی و تشنگی و نگون‌بختی بود یا آن هم عزت است در پیروزی حق در مبارزه با باطل در ایثار و از خود گذشتگی در راه خدا.

پس منتظران با این حال باید منتظر چه چیزی باشند؟ چرا خداوند می‌فرماید: به آن‌ها بگوئید انتظار بکشند من نیز منتظر می‌مانم. منتظر چه چیزی؟ آمدن قیامت که انتظار نمی‌خواهد آمدن امر الهی به یک‌باره است. انتظار عدالت را چگونه باید به مردم آموخت؟ جز با نمایش حق بر باطل با امر خداوند بزرگ و ستودنی احدی را سزا نیست که علایق خود را در مقابل امر خدا مستولی کند وقتی که امر خدا را بندگان و رو آوران و امت پیامبر او اطاعت نکردند منتظر چه هستند؟ می‌خواهند چه چیز را با خود به قیامت آورند؟ آیا جز حق به آن صحرا برده خواهد شد؟ پس چهره حق کجاست؟

آیا عباس در راهی جز راه فرمان امام عصر خویش به شهادت رسید؟ گاهی فرمان چنین است که بندگی‌اش را تاریخ باید ثبت کند. اگر امام حسین سلام الله علیه آب داشت و به حضرت عباس فرمان داد تا آبی بیاورد، آیا حضرت ابوالفضل با امر امام مخالفت کرد؟ و یا اطاعت و گردن نهادن به امر امام را یاد می‌دهد؟ عباس رفت تا همه بدانند آنچه امام عصر خواست همان است که خدا اراده می‌فرماید. پس رشادت عباس به مشکی آب منتهی نمی‌شود. ایستادگی در برابر باطل است، نشان دادن اطاعت امر امام و در نهایت گذشت از جان! در آن روز که سران دغل به طرف امام حسین می‌آمدند و با دیدن جان‌فشانی عباس (ع) می‌گریختند. چطور می‌شود که اولیای خداوند مظهر عبرت می‌باشند؟ آیا خداوند بزرگ و با جلالت و جبروت یک

مشت انسان‌های شکست خورده را عبرت مردم قرار می‌دهد. یا عده‌ای قهرمان را؟ پس چه شده که از امامت جز خاطره‌ای از مظلومیت باقی نمانده! و اطاعت و رشادت در پس پرده رفته؟ اگر کربلا نبود، منتظران منتظر چه بودند؟ چگونه حق و باطل را تشخیص می‌دادند؟ و جز انبیاء و اولیاء چه کسی دارای چهره‌ی حقّ کامل است؟ تا دیگران از آنان بیاموزند.

مردم باید در کارهای خود اندیشه کنند؛ که اگر نکنند چهره‌ی باطل را بزرگ کرده‌اند؛ و چهره‌ی حق را در پشت آن قرار داده‌اند. پس وای بر احوال این منتظران که منتظر باطل هستند! در حالی که حق پشت پرده‌ی باطل نمی‌رود بلکه باطل است که چهره‌ی حق را دگرگون می‌کند و همان‌گونه‌ای که خداوند بزرگ فرموده‌اند: «باطل مانند کف روی آب است که از بین رفتنی است»

کسانی بر حسین سلام الله علیه اشک می‌ریزند که چهره‌ی حق را شناخته‌اند نه چهره‌ی باطل را! ولی آنچه می‌کنند نشان می‌دهد که چهره‌ی باطل را شناخته‌اند.

حوادث سنگین عاشورا برای عرشیان و فرشیان سنگین است، زیرا خداوند متعال فرموده‌اند: «از من و محمد هر دو پیروی کنید». و حادثه‌ی کربلا زیر پا نهادن حق و حرمت خدا و رسولش بود. آنان که نمی‌دانند باید بدانند کسی را جرأت خواستن حق خداوند نیست. همان‌گونه که حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: من نیستم که در قیامت حق را طلب می‌کنم، بلکه خداوند بزرگ است که از حریم خویش خواهد پرسید ما همه متعلق به او هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم. پس در رفتارهایتان جز به حق نگرایید و جز حق را نگویند، این فرمان قرآن است که پیروی کنندگان از قرآن پیروزمندان صحرای قیامت‌اند.

**اللهم عجل لولیک الفرج**